



تربیت

«فرزند برنده زمانه»

چگونه معلم می‌تواند دانش‌آموز خود را به فیلم‌سازی تشویق کند؟



امیر حسین صبوری

بیشتر در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای جسمی و مادی انسان به وجود می‌آید. مثلاً برای تولید غذای بیشتر و سالم‌تر، تحولاتی در کشاورزی و دامداری، نقاط عطف زندگی انسان بر کره‌خاکی را رقم زدند. دیگر می‌شد بدون ترس از کمبود غذا، افزایش جمعیت را متصور بود. حتی پس از انقلاب صنعتی، سایر نیازهای مادی مثل نیاز به حمل‌ونقل سریع و آسان، و نیاز به تجهیزات زندگی برای رفاه بیشتر پاسخ داده شد. در طول این سال‌ها و قرن‌ها، نیاز انسان به دیده و شنیده‌شدن، به‌سختی به جواب می‌رسید. تمامی ارتباطات چهره‌به‌چهره بودند. بعد از اختراع کاغذ و خط، ارتباطات اندکی توسعه یافتند. با اختراع دستگاه

اولین باری که عبارت «عصر حجر» را شنیدم، خیلی کودک بودم. بزرگ‌ترها از کارتون‌های کودکی خودشان می‌گفتند. عصر حجر کارتونی بود که آن‌ها از آن خاطره داشتند. از مادرم پرسیدم عصر حجر یعنی چه؟ و او گفت: «یعنی زمانه‌ای که انسان برای زندگی روزمره، مثل شکار و ساختن پناهگاه، از سنگ استفاده می‌کرد.» سال‌های بعد، با دوره‌ها و زمانه‌های متفاوت زندگی بشر آشنا شدم. عصر برنز، عصر آهن، آغاز کشاورزی و دامداری، پیدایش شهرها و شکل‌گیری تمدن تا انقلاب صنعتی و سپس مدرنیته و اکنون هم عصر رسانه! تغییر و تحولات بشری، تا قبل از قرن‌های اخیر،

چاپ، انسان بینش و دانش خود را به افق‌های دور از دسترس صادر کرد. اما همچنان عطش سیری‌ناپذیر دیده‌شدن و شنیده‌شدن در انسان باقی ماند. همه سواد خواندن نداشتند. دسترسی به متون سخت و پرهزینه بود. دنیای بی‌کران تخیل انسان نیازمند به تصویر کشیده‌شدن بود.

اختراع سینماتوگراف توسط برادران **لومیر**، شاید یکی از بزرگ‌ترین تحولات در این زمینه بود. فناوری با هنر ممزوج شد و فرزند هزار رنگ و روی آن شد هنر صنعت سینما!

امروز و در عصر رسانه، سینما یکی از مهم‌ترین ابزار انتقال پیام است. هر فیلم، انعکاسی از نگاه سازنده‌اش به دنیاست. با تماشای فیلم، خود را از دریچه ذهن و نگاه خالق اثر به پرواز درمی‌آوریم و کران تا کران دنیای ساخته‌شده او را می‌کاویم و جالب‌تر اینکه از این کار لذت می‌بریم. کشف کردن، لذت هم دارد. پس، سرگرم‌کننده هم هست.

انسان دنیای مدرن اوقات فراغت زیادی دارد. برای رفع تشنگی لازم نیست کوزه‌به‌دست تا چشمه پیاده برود. کافی است شیر آب را باز کند. شاید مردم عادی در بیشترین حالت ممکن هشت ساعت در شبانه‌روز کار کنند. این موجب می‌شود به‌طور دیوانه‌کننده و بی‌سابقه‌ای در تاریخ وجود حیات بشری بر زمین، انسان به دنبال سرگرمی باشد. بنابراین، برنده کسی است که ضمن پرداختن به این نیاز تقریباً جدید و شدید بشر، بتواند خوراک روحی ویژه‌ای برایش فراهم کند.

دوهزار سال پیش، کسی برنده بود که در کشاورزی و دامداری تحول می‌آفرید. سیصد سال پیش، برنده واقعی کسی بود که میکروب یا واکسن را کشف و اختراع می‌کرد. و امروز کسی بازی را برده است که بتواند اندیشه‌ها را هدایت کند، سبک زندگی‌ها را شبیه به خواسته خود کند، وقت روزانه مردم را به دیدن و شنیدن پیام خود اختصاص دهد و در نهایت کسی بازی را برده است که رسانه داشته باشد یا خودش رسانه باشد! این جمله معروف را همگان شنیده‌اید که: «فرزند زمانه خود باش». در این باره، برخی می‌گویند باید رنگ و بوی هر عصر و زمانه‌ای را به خود بگیریم و آن را بپذیریم، اما واقعیت این است که باید اقتضات هر زمانه‌ای را بشناسیم و با زبان مردم عصر خود سخن بگوییم.

معلم امروز هم حرفی جز این ندارد. معلم امروز به دانش‌آموز خود مقتضیات زمان و زبان این عصر

را می‌آموزد:

«سلام بچه‌ها! همان‌طور که

می‌دانید، در عصر رسانه به سر می‌بریم.

یکی از مؤثرترین رسانه‌ها که محصول

درهم‌آمیختگی صنعت و هنر است، سینماست.

امروز درآمد ناخالص داخلی پیشرفته‌ترین کشورها

از طریق امور فرهنگی است که شاخص‌ترین آن‌ها

هنر صنعت سینماست. امروز بلندترین صداها،

شیواترین سخن‌ها و برانگیزاننده‌ترین آثار در

سینما جلوه می‌کنند. ملتی که با الفبای ساخت

فیلم سینمایی آشنا نباشد، در بهترین حالت یک

مصرف‌کننده است که مزاج و سلیقه خود را به

دیگران سپرده است.»

آشنایی با الفبای سینما به معنای دیدن هر

فیلمی که به دستمان برسد نیست. که اگر این

بود، باز می‌شویم همان مصرف‌کننده منفعل!

پس چه کنیم؟ برای آشنایی با سینما و شروع

فیلم‌سازی چند کار را انجام دهید:

۱. از انجام کار غیر حرفه‌ای اصلاً نترسید. لازم

نیست برای ساخت فیلم، دوربین گران‌قیمت و

رایانه‌ای بسیار قدرتمند برای تدوین داشته باشید.

می‌توانید با دوربین تلفن همراه و برنامه‌های

کاربردی مخصوص سیستم‌عامل گوشی خودتان

تصویربرداری و تدوین کنید. فقط نیاز به ایده

دارید؛ همین. از ساده‌ترین ایده‌ها نگذرید.

ساده‌ترین ایده‌ها می‌تواند داستان یک تخم‌مرغ

باشد که از سرمای یخچال تا گرمای ماهی‌تابه

را برای نیمرو شدن روایت می‌کند. یا می‌تواند

مستندی ساده از یک روز کاری پدرتان باشد.

۲. همه ما کارتون پت‌ومت را دیده‌ایم. استاپ‌موشن

یک کار پرحمت ولی در دسترس و جذاب است.

می‌توانید از اسباب‌بازی‌های دوران کودکی به‌عنوان

شخصیت‌های فیلمتان استفاده کنید. کافی است

چند فیلم آموزش ساخت استاپ‌موشن را در اینترنت

ببینید. جسارت و همت خود را افزایش دهید و حتماً

ساخت استاپ‌موشن را تجربه کنید.

۳. مطالعه رمان و خواندن نمایش‌نامه و فیلم‌نامه

بسیار ضروری است. کتاب‌فروشی‌ها باید مهم‌ترین

و جذاب‌ترین فضای تفریحی شما باشند.

۴. برای یادگیری تدوین فیلم، غیر از کلاس‌های

رسمی و غیررسمی، فضای اینترنت پر است از

فیلم‌های آموزشی مناسب و رایگان. پس می‌توانید

به‌جای اتلاف وقت در شبکه‌های اجتماعی،

اینترنت خود را صرف دیدن این آموزش‌ها کنید.



**امروز بلندترین
صداها، شیواترین
سخن‌ها و
برانگیزاننده‌ترین
آثار در سینما
جلوه می‌کنند.
ملتی که با
الفبای ساخت
فیلم سینمایی
آشنا نباشد، در
بهترین حالت
یک مصرف‌کننده
است که مزاج و
سلیقه خود را به
دیگران سپرده
است**



لازم به ذکر است، تاکنون چندین فیلم از روی این رمان ساخته شده است. معاونان و مربیان پرورشی مدرسه‌ها برای برگزاری مراسم‌های ملی و مذهبی می‌توانند از این ظرفیت استفاده کنند. نمونه دیگری که در این زمینه به خاطر دارم، در مراسم دهه فجر، دانش‌آموزان کلاس هشتمی که مسئول اجرای برنامه بودند، هر روز با کمک یکی از مربیان یک برنامه تلویزیونی طنز با موضوعات انقلابی می‌ساختند و برای سایرین در جشن‌های روزانه نمایش می‌دادند. چهار نفر از دانش‌آموزان فعال در آن برنامه، علاقه و استعداد خود را شکوفا کردند. همین اتفاق مشوقی شد تا در دوره دوم متوسطه به هنرستان بروند و در رشته تولید برنامه تلویزیونی تحصیل کنند.

طولانی‌ترین سفرها با قدم اول آغاز می‌شوند. بسیاری از سینماگران بزرگ، از همین کارهای کوچک در مدرسه و محله شروع کرده‌اند. جرقه‌های کوچک دوران کودکی و نوجوانی، در جوانی و میان‌سالی، آتشی شعله‌ور از استعداد و هنر را مشتعل می‌کند که گرمای آن جامعه را در برمی‌گیرد. شاید شعله این آتش، نوری داشته باشد برای هدایت و راهنمایی جامعه.

برای اینکه نه تنها فرزند زمانه بلکه رهبر زمانه باشیم، باید بر ذهن‌ها حکومت کنیم. اگر صنعت سینمایی هالیوود را از ایالات متحده آمریکا حذف کنیم، در واقع قدرت نرم این کشور را از بین برده‌ایم.

برخی گمان می‌کنند سینماگر را مثل یک تکنسین می‌توان وارد کرد. در حالی که سینماگر جلوه‌گر جهان بینی خودش است. باید به این عزیزان گفت، کمبود پزشک و مهندس را می‌توان با واردات آن‌ها جبران کرد. اما هنرمند و فعال رسانه‌ای و سینماگر، یعنی کنترل‌کننده نبض جامعه، باید از درون جوشش کند و بلکه صادر شود.

هنر، گوهری در وجود و ذات آدمی است. وظیفه اصلی هر معلم، بالفعل کردن استعدادهای بالقوه دانش‌آموز خود است. چه بسیار **آلفرد هیچکاک**ها و **ابراهیم حاتمی‌کیا**ها که به علت نبود زمینه برای کشف و بروز استعداد خود، راهی غیر از آنچه درون خود به امانت دارند، پیش گرفتند و نشدند آنچه باید بشوند.

۵. حال وقت فیلم دیدن است. اما نه هر فیلمی! چرا که این قدر عمر نمی‌کنید که بتوانید همه فیلم‌ها را ببینید. یادتان نرود به دنبال یادگیری الفبای سینما هستید. پس دیدن فیلم‌های کلاسیک فیلم‌سازان مشهور ضروری است. کم نیستند فیلم‌سازان کلاسیکی که مفاهیم انسانی را به دور از رنگ و لعاب مسحورکننده هالیوودی به تصویر کشیده‌اند. در داخل هم، کارگردانان کهنه‌کار و جوان زیادی وجود دارند که در گونه‌های مختلف مشغول ساخت اثر هستند. باید با نگاه تیز و نقادانه آثار مهم و خوب را ببینید.

معلمان چه کنند؟

معلمان در درس‌های گوناگون می‌توانند با خلاقیت این ظرفیت را در دانش‌آموز خود فراهم کنند. مثلاً دبیر انشایی را می‌شناسم که بخشی از کلاسش به ارائه دانش‌آموزی می‌گذرد. بچه‌ها به‌طور گروهی هر هفته یک موضوع یا داستان را به شکل نمایش یا فیلم کوتاه یا برنامه تلویزیونی آماده می‌کنند و در کلاس ارائه می‌دهند. نمره ارائه با نظر سایر دانش‌آموزان داده می‌شود. رقابت بسیار خوبی بین بچه‌ها شکل می‌گیرد.

معلم دیگری در کلاس کتاب‌خوانی به بچه‌ها می‌گوید تا پس از پایان مطالعه هر کتاب باید خلاصه‌ای از آن را به‌طور گروهی ارائه دهند. یادم می‌آید یکی از گروه‌ها در ارائه کتاب «قتل راجر اکروید» اثر **آگاتا کریستی**، صحنه بازجویی **آخر هر کول پوارو** را مانند یک فیلم بازسازی کرده بودند و به‌عنوان پروژه این کتاب ارائه دادند.



هنر، گوهری در وجود و ذات آدمی است. وظیفه اصلی هر معلم، بالفعل کردن استعدادها بالقوه دانش‌آموز خود است